

روش تحقیق، تصحیح و تعلیق استاد غفاری در کتاب «من لایحضره الفقیه»

نهله غروی نایینی^۱

چکیده:

کتاب «من لایحضره الفقیه» که یکی از منابع اصلی و معتبر شیعه در حدیث و احکام فقهی است، حاصل زحمات و همت و حافظه قوی عالم عظیم‌الشان شیخ صدوق (ره) در قرن چهارم هجری است که از آن زمان تا کنون مدار استناد علما و مجتهدان شیعه بوده است. استاد علی اکبر غفاری صفت که از اساتید معاصر و متوفای ۱۳۸۳ هجری شمسی است، سالها پیش به پیشنهاد و اصرار یکی از اساتید جلیل‌القدر خود به تصحیح و تعلیق این مجموعه فقهی اقدام کرد و پس از به چاپ رساندن، آن را در اختیار حوزه‌های علمیه و همگان قرار داد. به پاس بزرگداشت خدمات آن استاد گرانمایه به اسلام و مسلمانان، در این مقاله به بیان روش پر زحمت و دقت آن عزیز از دست رفته، _ خصوصاً با تکیه بر کتاب حج «من لایحضره الفقیه»، _ مبادرت می‌شود.

کلید واژه‌ها: حدیث، فقیه، من لایحضره الفقیه، صدوق، غفاری.

مقدمه

مرحوم علی اکبر غفاری صفت، تصحیح و تعلیق بر «کتاب من لایحضره الفقیه» شیخ صدوق را در سال ۱۳۹۲ هجری قمری به پایان برد. (همو، ۱/ه) ایشان از نادر افرادی است

که رنج و سختی تصحیح و تعلیق کتب متقدمین را بر خود هموار کرد و با این همت خود، خدمت بزرگی به اسلام و مسلمانان نموده. این مرد خستگی‌ناپذیر، سالها در حجره علمی خود به کار تحقیق و تصحیح نسخ کتابهای مرجع همت گماشت. ضمن اینکه با حضور در کلاسهای درس، شاگردان فراوانی تربیت کرده و به جهان علم تحویل داد. استاد غفاری برای تصحیح هر مجموعه تا جایی که امکان داشت و اهل علم و دارندگان نسخ لطف می‌کردند، منابع را گردآوری می‌کرد و چندین نسخه از هر مجموعه را با هم مقابله می‌نمود. که در این مسیر زحمت بسیار بر خود هموار کرده و با دقت به تصحیح و تعلیق مجموعه‌های حدیثی می‌پرداخت.

ایشان در مقدمه‌ای که بر این کتاب نوشته است، پس از حمد و ثنای الهی و نثار درود بر پیامبر عظیم الشان و هل بیت گرامی آن حضرت (همو، الف) به توصیف کتاب «من لایحضره الفقیه» پرداخته و می‌نویسد: «کتابی که شهرتش معروف است بگونه‌ای که نیاز به بیان ندارد و خاص و عام آن را می‌شناسند. کتابی است پر درخشش مانند ماه شب چهارده که دستهای نامحرم به آن نرسد و هیچ کتابی به منزلت و عظمت آن نائل نگردد. طالبان این مطالب آنچه را به دنبال آن هستند در این کتاب می‌یابند...» (همانجا)

پس از آن استاد درباره شیخ صدوق می‌نویسد: «مؤلف با تلاش زیاد و اندیشه‌ای صائب و ذهن پاک و درک روایت و بصیرت در علم رجال و وسعت اطلاعاتش در مطالب پوشیده و قوت درک بر مطالب ناشناخته و تبحر در فقه و احکام و مسائل حلال و حرام و تبحر در فنون و دوری از ضلالت و اوهام بهترین تصنیف را ارائه کرده است.» (همانجا)

استاد غفاری درباره علت انگیزه خود به تصحیح و تعلیق «کتاب من لایحضره الفقیه» می‌نویسد که با اصرار و تشویق و ترغیب استاد درس تفسیرش حضرت آیت الله سید محمد کاظم موسوی گلپایگانی و ادار به انجام چنین کار بزرگ و پر محتوا شد در حالیکه خود گمان می‌کرد که از عهده چنین کار بزرگی بر نخواهد آمد، لکن با اصرار استادش و با توسل به ائمه اطهار علیهم السلام و ایمان به عظمت و اهمیت این کتاب بالاخره پس از مدتها درنگ و تشویش، بر اثر تشویقهای مجدد استاد تفسیر، تن به این کار پر مشقت و پر زحمت داد. (همانجا، ب و ج) چنانچه خود اظهار می‌دارد، بالاخره آستین همت بالا زده و

به یاری حق تعالی شروع به جمع آوری نسخه‌های اصلی «کتاب من لایحضره الفقیه» و حواشی و شروح آن کرد. سپس به مقابله نسخه‌ها پرداخت و در این طریق طبق گفته خود بر ۱۴ نسخه معتبر و صحیح که علائم صحت آنها آشکار بود، اعتماد کرد، علاوه بر آن از چندین حاشیه و شرح از شروح «من لایحضره الفقیه» جهت تقویت کار خود استفاده کرد. (همانجا، ه)

این مقاله به چگونگی روش مرحوم غفاری در مجموعه فقهی «من لایحضره الفقیه» پرداخته و محور تحقیق عمدتاً بر کتاب الحج این مجموعه استوار است.

روش

استاد غفاری در تصحیح «کتاب من لایحضره»^۱ که یک کتاب فقهی است علاوه بر تصحیح متن و سند احادیث که از اهمیت خاص برخوردار است. کارهای تکمیلی دیگری انجام داده است که در چند محور به شرح آن پرداخته می‌شود:

۱- بهره‌گیری از کتب

استاد غفاری در تصحیح و تعلیق کتاب من لایحضره که به صورت زیر نویس ارائه کرده است به واضح کردن مفهوم احادیث و احکام فقهی شیخ صدوق پرداخته و در این روش باضافه کتابهای شرح و حواشی از کتابهای متقدمین بهره‌ها برده است. کتابهای مرجع ایشان را می‌توان چنین دسته بندی کرد:

◆ الف- کتابهای حدیثی: مصحح (ره) کوشیده است تا احادیث کتاب من لایحضره را از کتابهای مرجع دیگر چون: محاسن برقی (من لایحضره الفقیه، ۱۹۵/۲، ۱۹۵ و ۲۲۷ و ۲۲۹ و ۲۷۲ و...); کافی کلینی (همانجا، ۳۳۳ - ۳۳۱؛ ۱۴/۳، ۱۵، ۱۹۳ و...) و تهذیب (همانجا، ۳۳۵/۲ - ۳۳۳ به صورت: روی الشیخ فی التهذیب و ۱۹۰/۳، ۱۹۱ به صورت: فی التهذیب؛ و...) و استبصار شیخ طوسی (همانجا، ۲۲۱ و ۳۵۹) و کتابهای دیگر بیابد تا هم تأییدی بر احادیث «من لایحضره» باشد و هم موارد اختلاف را مشخص و تصحیح نماید. در

۱- از این پس برای اختصار و کم کردن حجم نگارش به جای نام کامل کتاب، از واژه «من لایحضره» یا «الفقیه» استفاده می‌شود که برای اهل فن آشناست.

این ارجاعات گاه نام کتاب را ذکر می‌کند و زمانی نام مؤلف کتاب را می‌برد. مثلاً گفته است: روی الشیخ و یا گفته‌است: - رواه الشیخ فی التهذیب (همانجا، ۳۵۷ و ۳۵۵). قال ابن ادریس (همانجا، ۴۱۱). قال المحقق الاردبیلی (همانجا، ۳۹۸). مقنعه - شیخ مفید - (همانجا، ۴۹۹). وافى فیض کاشانی (همانجا، ۳۳۸، ۵۰۴). الاخبار الدخیله - تستری (شوشتری) (همانجا، ۲۴۳). قال ابن طاووس فی کتابه فرحة الغری - فرحة الغری بصرحه الغری^۱ - (همانجا، ۵۸۶) و اقبال^۲ (همانجا، ۵۸۷). الکامل ابن قولویه - کامل الزیارات - (همانجا ۵۸۷ و ۵۷۹ و...). مرآة العقول - علامه مجلسی - (همانجا، ۳۵۷/۲، ۴۴۷). جامع المدارک - خونساری - که در بیان استاد غفاری بدین گونه آمده است: قال فقیه عصرنا مدّ ظله العالی (همانجا، ۳۳۹ و ۴۰۱ و ۴۱۳). الغدیر^۳ - علامه امینی - (همانجا، ۵۶۵). الخلاف شیخ طوسی (همانجا، ۳۴۷) بهره برده است.

تفحص در کار کرد استاد نشان می‌دهد که علاوه بر شروح نامبرده و کتاب‌های یاد شده از دیگر کتابهای صدوق (ره) نیز بهره برده است، تا قوت احادیث کتاب «من لایحضر» را بنمایاند و بگوید که احادیث صدوق دارای سند معتبر است. مانند:

امالی (همانجا، ۱۹۰؛ علل الشرایع (همانجا، ۱۹۱/۲، ۲۹۳، ۲۰۳، ۳۷۳، ۳۳۲؛ ۱۳/۳ و...))، و ثواب الأعمال (همانجا، ۲۰۷ و ۲۸۴ و ۵۷۹ و...؛ خصال (همانجا، ۲۰۱ و ۲۱۷ و ۴۹۱ و...؛ معانی الاخبار (همانجا، ۱۹۸ و ۵۰۹ و ۵۷۲)، المقنع^۴ - المقنع فی الفقه - (همانجا، ۵۱۴). العیون - عیون اخبار الرضا - (همانجا، ۵۸۳).

۱- کتابی که در آن روایات درباره قبر امیرالمؤمنین است (الذریعه، ج ۱۶، ۱۵۹).

۲- کتاب تتمه و مهمه مصباح کبیر ابن طاووس است در دو مجلد (الذریعه، ج ۲، ۲۶۴).

۳- در مسئله زیارت قبور و تبرک و توسل بر معصومین در کتاب حج سخن علامه امینی را مطرح می‌کند که از زمان صحابه و تابعین همچنان محترم می‌شمردند و تعظیم می‌کردند تا اینکه این تمیبه حرّانی به دنیا آمد و پس از آن این سنت را منکر شد و فتوا به حرمت رفتن برای زیارت نبی (ص) داد و گفت که این سفر چون سفر معصیت است نماز در آن شکسته نمی‌شود. علمای همزمانش و مردان قومش با او مخالفت و مقابله کردند و او را به منفرد بودن در این مسئله طعن زدند. از جمله سبکی در کتابهایش - شفاء السقام فی زیارة خیر الانام و الدرّة المضیئة فی الرد علی ابن تیمیة - و بسیاری علمای دیگر را نام می‌برد، حتی برادرش سلیمان بن عبدالوهاب در رد محمد بن عبدالوهاب و ابن حجر هم در الفتاوی الحدیثه و... (الغدیر، ۸۷/۵)

۴- کتاب متداولی است که وسائل الشیعه از آن روایت کرده است. (الذریعه، ج ۲، ۱۲۳)

گاه به منابع حدیثی اهل سنت نیز ارجاع داده است مانند: رواه أبو داود فی السنن ۴۲۳/۲ و مسلم فی صحیحہ ۲/۴ (همانجا، ۳۳۹). در باب فضائل حج روایتی از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده که استاد ذیل آن می‌نویسد: «روی نحوه الترمذی و ابن ماجه و البیهقی و الحاکم کلهم من روایة سهل بن سعد عن النبی (ص)» (همانجا، ۲۰۳). ذیل روایتی در باب (الخیل و ارتباطها...) مصحح (ره) می‌نویسد: هکذا رواه أحمد و البخاری و مسلم و النسائی و ابن ماجه (همانجا، ۲۸۳). روایت دیگری را از ابو داود سجستانی به سند خود او از رسول الله (ص) نقل می‌کند ذیل همین روایت که صدوق آن را از پیامبر (ص) نقل کرده است (همان). نیز از کتاب الاوسط طبرانی - المعجم الاوسط - (همانجا، ۲۱۷ و ۲۸۳). واقدی (همانجا، ۳۵۸): تهذیب التهذیب ابن حجر عسقلانی (همانجا) روایت نقل کرده است.

◆ ب- کتابهای رجالی: کتابهای رجالی که استاد غفاری به آنها رجوع کرده، عبارتند از: خلاصه علامه (همانجا، ۳۲۵)؛ رجال نجاشی (همانجا، ۳۵۳)؛ تهذیب التهذیب. (همانجا، ۳۵۸)؛ جامع الرواة (۲۸/۳)

◆ ج- کتابهای تفسیری: از جمله منابعی که مورد استناد، مصحح (ره) قرار گرفته است، کتابهای تفسیری است، از جمله: کشف زمخشری (همان، ص ۴۲۱).

◆ د- کتابهای فقه و اصول: مصحح (ره) در بیان احکام به کتابهای فقه و اصول نیز مراجعه کرده و نظر آنها را بیان داشته است از جمله می‌گوید: شهید در قواعد (همانجا، ۲۲۲/۲) که مقصود کتاب القواعد و الفوائد شهید محمد بن مکی عاملی است که فقه مختصر مشتمل بر ضوابط کلی اصول و فروع است. (الذریعه، ۱۹۳/۱۷) نیز می‌گوید: قال الشهید فی الدروس (من لایحضر، ۲/۲۵۹) که مقصود کتاب «الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه» از شهید شیخ محمد بن مکی عاملی است. (الذریعه، ۱۴۵/۸) نیز در بیان حکمی استاد می‌نویسد: «ذهب المحقق فی النافع» که مقصود کتاب المختصر النافع» یا «النافع فی مختصر الشرایع» از محقق شیخ نجم الدین جعفر بن حسن بن یحیی الحسن بن سعید الهذلی الحللی متوفای ۶۷۶ است. (الذریعه، ۲۰، ۲۱۳)

♦ ه- کتابهای لغت: در بیان واژه ها از کتب لغت استفاده کرده است که گاه نام نویسنده را گفته است مانند: قال الفارابی... (همانجا، ۳۵۲/۲)؛ قال الازهری... (همانجا) و قال الجوهری... (همانجا، ۵۶۰)

و گاه نام کتاب را ذکر کرده است، مانند: فی بحر الجواهر - از ابو زید - ... (همانجا، ۳۴۹، ۳۵۲، ۳۴۹)؛ المصباح (همانجا). فی النهایة - ابن اثیر - (همانجا، ۳۳۸، ۲۳۷). قاموس - فیروزآبادی - (همانجا، ۲۳۴، ۳۵۸؛ ۲۷/۳). مصباح - مصباح المنیر - (همانجا ۲۳۲ و ۲۳۳). ابو عبیده (همانجا، ۴۸۴).

♦ و- سایر کتب: از جمله کتابهای دیگری که مصحح (ره) مراجعه کرده است؛ کتاب ازرقی^۱ است که می نویسد: ازرقی فی اخبار مکه. ابن ندیم این کتاب را چنین معرفی می کند: کتاب مکه و اخبارها و جبالها و اودیتها (الفهرست، ۱۸۴).

۲ - تبیین متن حدیث

طریق واضح کردن متن حدیث یا به عبارتی، روش فقه الحدیث استاد غفاری در روشن تر کردن معنای حدیث و مقصود مؤلف را می توان به صورت ذیل بیان کرد:

♦ الف- بیان معنی لغات: برای وضوح معنای حدیث، مصحح به بیان معنای واژه های

ضروری و غریب پرداخته است، مانند:

۱- کلمه «الخمیصه» در باب موضوع پارچه یا لباسی که احرام بستن با آن جایز است یا نه که در معنای آن مصحح می نویسد: کساء أسود مربع له عَلمان فان لم یکن معلماً فلیس بخمیصه (الصحاح). که این معنا را از کتاب صحاح برگرفته و معنای دوم را از کتاب النهایه: ثوب خزّ أو صوف معلم، و قیل: لا تسمی بها الا أن تکون سوداء معلمه. (همانجا، ۳۳۹/۲)

۲- مثال دیگر در توضیح واژه «بیطه» در حدیثی که هشام بن سالم از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود: اذا خرج بالمُحرم الخراج و الدمّل فلیبطه و... می نویسد: ای یشقه، و البط: شق الجرح و الدمّل و نحوها، و الخراج - بضم الخاء المعجمه و الجیم فی آخره - کل ما ینخرج بالبدن کالدمّل، الواحدة خراجة جمعها خراجات. (همانجا، ۳۴۹)

۳- واژه «الشقاق» در حدیثی در همان باب است که استاد ذیل آن می‌نویسد: الشقاق - بالضم - هنا بمعنى الداء الذى يتناثر منه الشعر، و قد يأتي بمعنى تشقق الجلد من برد و غیره فى الیدین و الوجه. (همانجا)

۴- کلمه «برطله» در حدیثی از یزید بن خلیفه است که صفوان آن را روایت می‌کند که او گفت: رأنى أبو عبدالله (ع) أطوف حول الكعبة و علىّ برطله... در بیان مصحح آمده است: البرطله، بضم الباء و الطاء و اسكان الراء و تشدید اللام المفتوحة: قلنسوة طويلة كانت تلبس قديماً على ما ذكره جماعة. (همانجا، ۴/۱۰۷)

۵- کلمه «الاذخر» است در حدیثی از احادیث باب «بوی خوش برای محرم» که استاد آن را چنین بیان می‌کند: الاذخر - بكسر الهمزة و الخاء - نبات معروف، ذكى الرائحة و اذا جفّ ايضاً، و يدلّ الخیر على استحباب الاجتناب من غسل الید بالاذخر. (همانجا، ۲/۳۵۱)

۶ - «... غلّت مرّدة الشياطين...» واژه مرّدة را چنین بیان داشته است: «مرّدة جمع مارد و هو العاتى أو جمع مرید - بفتح الميم - و هو الذى لا يتقاد و لا يطيع». (همانجا، ۲/۹۷)

◆ ب- بیان مقصود از کلمه: زمانی مقصود معصوم را از کلمه‌ای که در حدیث آمده، بیان می‌کند. مانند:

۱- واژه قبر در حدیثی که حماد بن عثمان از امام صادق (ع) درباره لباس احرام سؤال می‌کند که: «عن خلوق الكعبة و خلوق القبر يكون فى ثوب الاحرام، فقال: لا بأس بهما هما طهوران» که در بیان کلمه «قبر»، مصحح (ره) با استفاده از کتب می‌نویسد: أراد بالقبر قبر النبی (ص) فان القبر كثيراً ما يطلق فى كلامهم عليهم السلام و يراد به قبره (ص)، فان أضافوا اليه الطين فالمراد قبر الحسين (ع)، و أنّما كانا طهورين لشرفهما المستفاد من المكان الشريف فتطهيرا معنوي عقلي، لا صوري حسي كتطهير الماء (همانجا، ۲/۳۳۸)

۲ - «ان كان موسراً...» ای مکلف. (همانجا، ۲/۴۲۱)

۳ - صفوان جمال قال : قلت لأبي عبدالله (ع): «قد عرفتنى بعملى...»، مى‌نویسد: «أى كنت عرفت أنى جمال». (همانجا، ۲/۴۳۹)

۴- در حدیث آمده است: «عليه جزور كوماء» استاد در معنی كوماء می‌نویسد: «أى الناقة العظيمة السنم» (همان، ۲/۳۳۱)

۵- در کتاب معیشت باب مکاسب و فوائد و صناعات آمده است: «فانه اذا أجر نفسه حظر علی نفسه الرزق» مصحح نوشته است: حظر آی منع کانه منع علی نفسه الرزق لا تکاله علی الغير. (۱۷۴/۳)

◆ ج- بیان معنای عبارتی از حدیث: در مواردی ضروری بوده است که مفهوم قسمتی از متن حدیث روشن گردد. مانند:

۱- .. فقال: ما يقول الناس فيها؟ استاد می‌نویسد: «أى فى الآية أو فى الاستطاعة». (همانجا، ۴۱۸/۲)

۲- فقال: «هلك الناس اذا لئن كان من كان له زاد و راحلة قدر ما يقوت به عياله و يستغنى به عن الناس ينطلق اليه فيسلبهم اياه...» می‌نویسد: «ای الى الحج، و قوله «يسلبهم اياه» یعنی يسلب عياله ما يقوتون به». (همانجا)

۳- «... فاستقبل الشهر بالقرآن» مصحح می‌نویسد: المراد الامر بتلاوته عند وروده أو أول ليلة منه. (همانجا، ۹۹)

۴- در کتاب معیشت در مبحث اجاره حدیثی از امام صادق (ع) نقل شده که در آن آمده است: «... فوضع الأجر علی یدی رجل فهلك ذلك الرجل و لم يدع وفاء و...» مصحح در بیان انتهای عبارت می‌نویسد: آی لم يترك ما يفى بوفاء ذلك المال أى مال الاجارة. (۱۷۴/۳).

◆ د- زیاده یا نقصان در متن: در مقایسه متن حدیث در «من لا یحضر» با احادیث مشابه در کتاب کافی یا تهذیب، معین کرده است که متن زیاده دارد یا کمتر. مانند:

۱- حدیثی که درباره تراشیدن سر یا ریش است برای شخص محرم که صدوق چنین نقل کرده است: «من حلق رأسه أو نتف ابطه ناسياً أو ساهياً أو جاهلاً فلا شیء علیه» مصحح (ره) می‌نویسد که شیخ طوسی و کلینی در حدیث صحیحی از زراره از امام باقر (ع) مانند این نقل کرده‌اند که در ادامه آن عبارت «و من فعله متعمداً فعليه دم» را زیاده بر حدیث صدوق نقل کرده‌اند. (همانجا، ۳۵۷/۲؛ کافی، ۳۶۱/۴؛ التهذیب، ۳۳۳/۵؛ المرآة، ۳۲۲/۱۷)

۲- درباره درک وقوف در «المشعر الحرام»، صدوق روایتی نقل کرده بدین صورت: «من أدرك المشعر الحرام قبل أن تزول الشمس فقد أدرك الحج» استاد می‌نویسد: کلینی آن را به زیاده چنین نقل کرده است: و علیه خمسة من الناس (همانجا، ۳۸۶؛ کافی، ۴۷۶/۴).

کافی این حدیث را با زیاده لفظ دیگر هم دارد، بدین صورت: «من أدرك المشعر الحرام يوم النحر من قبل زوال الشمس فقد أدرك الحج» که در آن «يوم النحر» نسبت به حدیث صدوق زیاده است.

۳- در باب تأخیر زیارت، صدوق (ره) از امام صادق (ع) روایتی نقل می‌کند: «لا بأس بأن تؤخر زيارة البيت الى يوم النحر» استاد می‌نویسد: شیخ در تهذیب به زیاده نقل کرده بدین گونه: «انما يستحب تعجيل ذلك مخافة الاحداث و المعاريض». (همانجا، ۳۸۸؛ تهذیب، ۵۱۸/۱)

موارد دیگر: (همان، ص ۳۵۸، حدیث ۲۶۹۷)، که کلینی (کافی، ۳۵۸/۴) و شیخ طوسی در تهذیب با اختلاف و زیاده نقل کرده‌اند.

◆ ه - تقدم یا تأخر در متن: در مواردی از مقایسه متن حدیث «من لایحضر» با متن حدیث در «کافی» یا «التهذیب»، مصحح (ره) تقدم یا تأخر مشاهده کرده است، مانند: حدیثی در حکم کسی که طواف النساء را فراموش کرده است، روایتی معاویه بن عمار با امام صادق (ع) مطرح می‌کند، بدین صورت: «رجل نسی طواف النساء حتی رجع الی أهله، قال: یامر أن یقضی عنه ان لم یحج فانه لا تحل له النساء حتی یطوف بالبيت (همانجا، ۳۸۹). استاد می‌نویسد: در کافی با تقدیم و تأخیر و زیاده در حدیث نقل شده است بدین صورت: «رجل نسی طواف النساء حتی دخل أهله قال: لا تحل له النساء حتی یزور البيت؛ و قال: یامر أن یقضی عنه ان لم یحج فان توفی قبل أن یطاف عنه فلیقض عنه ولیه أو غیره». (کلینی، ۵۱۳/۴)

◆ و - تصحیف در متن: استاد غفاری در مواردی که کلمه‌ای در کتاب «من لایحضر» با مشابهش در کتاب مرجع مانند کافی یا تهذیب، فرق دارد را ذکر می‌کند، مانند: ۱- چنانچه واژه «فلیبطه» را می‌نویسد که در کتاب کافی «فلیربطه» - یعنی دمل را ببندد - است. (همانجا، ۳۴۹)

۲- در حکم شخص مُحَرَّم که ناخن یا موی خود را کوتاه می‌کند، در خبری در «من لایحضر» کفاره‌اش آمده است: «مدأ من طعام أو کفین» استاد می‌نویسد که شیخ در کتاب استبصار با حدیثی قوی مانند صحیح روایت کرده که فرمود: «یطعم کفاً من طعام أو کفین»

که به نظر می‌رسد مدأ تصحیف شده و باید کفاً باشد زیرا مدأ با کفین نسبتی ندارد. (همانجا، ۳۵۹؛ استبصار، ۱۹۸/۲)

۳- در باب «الطيب للمُحَرَّم»، شیخ صدوق روایتی از حسن بن زیاد نقل می‌کند که به امام صادق (ع) گفت: وضائی الغلام و أنا لأعلم بدستشان فيه طيب فغسلت یدی و أنا محرم، فقال: تصدق بشيء لذلك. استاد می‌نویسد: دستشان معرب دستشو است و ممکن است که مصحف «باشنان» باشد همچنانکه در کتاب کافی آمده است و از نظر معنا هم مناسب است. (همانجا، ۳۵۱) کلینی حدیث را با همان سند چنین نقل کرده است: «قلت له: الاشنان فيه الطيب اغسل به یدی و أنا محرم؟ قال:.... و قال: تصدق بشيء كفارة للاشنان الذي غسلت به یدک. (همو، ۳۵۴/۴) این حدیث در «کافی»، زیاد نسبت به «من لایحضر» دارد.

◆ ز- ذکر الفاظ معادل کلمه در متن حدیث از نسخ دیگر: در مقابله و تصحیح کردن نسخه‌های کتاب «من لا یحضر»، مصحح (ره) کلمات معادل که در نسخه‌های دیگر آمده را با ذکر «فی بعض النسخ» یا «فی جمیع النسخ» آورده است. مانند:

۱- در حدیث آمده است: «... ما لم یصب رأسک»، فی بعض النسخ «ما لم یصبک رأسک» بدل البعض من الكل. (همانجا، ۳۵۵)

۲- برای کلمه «... و جازت...» در حدیثی، استاد آورده است: فی بعض النسخ «صارت». (همانجا، ۳۸۲)

۳- برای «... من حیث بلغ»، در حدیثی، مصحح می‌نویسد: «کذا فی جمیع النسخ التی عندنا و الصواب» من حیث قطع «کما فی الکافی و التهذیب و هامش نسخه مما عندی من نسخ الفقیه». (همانجا، ۳۹۳؛ کافی، ۴/ ۴۱۵؛ التهذیب، ۱۲۱/۵)

◆ ز- معرفی کردن فرد نامعلوم در متن حدیث: گاه اسم عامی در متن حدیث آمده که استاد، شخص را معرفی کرده است. حدیث درباره حکمی از متعه حج است که مردی از پیامبر (ص) سؤال می‌کند. قسمتی از متن حدیث چنین است: «... و ان رجلا قام فقال: یا رسول الله...» ذیل «رجل» استاد می‌نویسد: «هو عمر بن الخطاب ثانی الخلفاء کما صرح به فی غیر واحد من المصادر العامیه كالصحيح». (من لا یحضر، ۲۳۶/۲)

۳ - بیان احکام

در فهم حکم از متن حدیث، استاد غفاری روشهایی را اعمال کرده است، از جمله:

◆ الف - استناد به آیات قرآن برای بیان حکم: گاه که در برابر نظر صدوق نظرات

مخالف بوده است برای بیان نتیجه نهایی استاد به آیات قرآن متوصل شده است. مانند:

۱- رسیدن ثواب نماز و روزه و صدقه و حج و... به میت طبق روایت صدوق، استاد نظرات دیگر را ارائه کرده و پس از آن برای اثبات این حکم، آیات قرآن را ارائه و به آنها استناد کرده است: «ربنا اغفر لنا و لاخواننا الذین سبقونا بالایمان» (الحشر، ۱۰) و آیه ۱۹ سوره محمد «استغفر لذنبک و للمؤمنین و المؤمنات».

«و لا تصل علی أحد منهم مات أبداً و لا تقم علی قبره انهم کفروا بالله و رسوله و ماتوا و

هم فاسقون» (التوبه، ۸۴)

۲- ذکر آیه ۱۹۸ البقره «فاذا أفضتم من عرفات فاذکروا الله عند المشعر الحرام»، برای

وجوب ذکر در مشعر. (همانجا، ۴۷۰)

۳- در بیان ثواب کسی که در راه الله مجاهده کند و اموالش را انفاق کند به آیه ۱۰

الحدید: «لایستوی منکم من أنفق من قبل الفتح و قاتل أولئک أعظم درجة من الذین أنفقوا من بعد و قاتلوا» استناد می کند. (همانجا، ۵۸۳)

◆ ب - تبیین حکم شیخ صدوق: مصحح (ره) در مواردی که نظر کلینی یا شیخ طوسی

متفاوت بانظر شیخ صدوق است آن قول یا اقوال را تبیین می کند، مانند:

۱- حکم نگاه کردن در آینه برای فرد مُحرم که نظر صدوق چنین است: روی حریز

عن أبی عبدالله (ع) قال: «لا تنظر فی المرآة و أنت محرم لأنه من الزینة». استاد به

استناد کتاب مرآة العقول می نویسد: که دلالت بر عدم جواز نگاه کردن مُحرم در آینه

دارد. اصحاب در این حکم اختلاف نظر دارند که اکثر می گویند حرام است و

شیخ - طوسی - در کتاب خلاف می گوید که مکروه است و صحیح تر حرام بودن است

و فرقی میان مرد و زن در این حکم نیست همانگونه که از خبر فهمیده می شود.

(همانجا، ۳۴۷)

۲ - صدوق از امام صادق (ع) به طریق حماد از حریر نقل می‌کند درباره احتیاج فرد مُحرم که می‌فرماید: لا بأس أن يحتجم المُحرم ما لم يحلق أو يقلع الشعر که مصحح می‌نویسد: حمله الشيخ - رحمه الله - على حال الضرورة لورود النهی فيه ففی الکافی، ۳۶۰/۴؛ فی الحسن کالصحیح عن الحلبي قال: «سألت أبا عبدالله (ع) عن المحرم يحتجم؟ قال: لا أלא أن لا يجد بدأ فليحتجم و لا يحلق مكان المحاجم...» که بیان خود را با توضیح از کتاب مرآة العقول ادامه می‌دهد و پس از آن با استناد به روایت دیگری از کتاب تهذیب شیخ طوسی کلام خود را تقویت می‌کند. (همانجا، ۳۴۸)

◆ ج - بیان احتمال مراد صدوق: در مواردی که مقصود شیخ صدوق واضح نیست یا مغایری دارد، مصحح مراد او را به کمک کتاب کلینی یا کتاب شیخ طوسی واضح می‌کند. مانند: در باب «الطيب للمحرم» صدوق روایتی از معاوية بن عمار از امام صادق (ع) نقل می‌کند که گفت: سألته عن رجل مسَّ الطيب ناسياً و هو محرم، قال: «يغسل يديه و يلبس و ليس عليه شيء» و فی خبر آخر: «و يستغفر ربّه». در بیان این حدیث استاد می‌نویسد: «يمكن أن يكون المراد بهذا الخبر ما رواه الكليني في الكافي عن زرارة عن أبي جعفر (ع). مقصود استاد این است که استغفار کند حق تعالی را. (همانجا، ۳۵۱)

◆ د - استناد به اجماع: در موارد اختلافی یا عدم وضوح حکم، استناد به اجماع متصل می‌شود، چنانکه در حکم پوشاندن صورت زن مُحرم، صدوق نقل کرده است: و مُرُّ أبو جعفر (ع) بامرأة محرمة قد استقرت بمروحة فأماط المروحة بقضية عن وجهها، مصحح می‌نویسد: أجمع الاصحاب على أن احرام المرأة في وجهها فلا يجوز لها تقطية. (همانجا، ۳۴۲)

◆ ه - تفصیل حکم: یکی دیگر از خدمات مصحح (ره) در پاورقی، تفصیل حکم حدیث از کتاب «من لایحضر» به کمک کتاب ثقة الاسلام کلینی یا شیخ طوسی است. مانند: حدیثی که صدوق از حریر از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود: «إذا نتف الرجل ابطه بعد الاحرام فعليه دم». مصحح توضیح و تصحیح آن را از کتاب التهذیب چنین می‌آورد: فی التهذیب «ابطیه» و المشهور أن فی نتف الابطين معاً شاة و فی احدهما اطعام ثلاثة مساکين و ظاهر بعض الاصحاب أن فيه مطلقاً شاة (همانجا، ۳۵۷؛ تهذیب، ۳۴۰/۵ این نقل در دو حدیث آمده است. (۱۱۷۷ و ۱۱۷۸)

◆ و- نامگذاری برای دسته‌ای از احادیث: در مواردی استاد غفاری خود، عنوانی برای دسته‌ای از احادیث به بابهای «من لایحضر» افزوده است و در پاورقی گفته است که این عنوان را برای آسان شدن افزوده‌ام مانند «الظلال للمحرم» (۳۵۲) و «الطیب للمحرم» (۳۵۰) و «المحرم یقصر ظفراً أو شعراً» (۳۵۶) و «المحرم یتزوج أو یزوج أو یطلق» (۳۶۱).

◆ ز- تبیین عنوان باب: گاه عنوان بابی نیاز به توضیح دارد، مصحح با استناد به کتاب مرجع به آن اقدام کرده است. مانند:

۱- باب «الرجل یطوف عن الرجل و هو غائب أو شاهد» که استاد به استناد کتاب مرآة العقول می‌نویسد: یجوز الطواف تبرعاً عن الحاضر و الغائب لعموم الاخبار، و کذا صلاة الطواف و لا یطوف نیابة فی الواجب الا مع العذر و قد تقدم. (همانجا، ۴۰۶)

۲- باب «استطاعة السبیل الی الحج»، مصحح به استناد شرح مولی محمد تقی مجلسی در تبیین آن می‌نویسد: «أی حجة الاسلام و هی ما أوجبه الاسلام بأصل الشرع علی المستطیع دون ما أوجبه المکلف علی نفسه بالنذر و شبهه». (همانجا، ۴۱۸)

۳- باب «دفع الحج الی من ینخرج فیها»، استاد می‌نویسد: «أی الحجة و الامر فی التذکیر و التأنیث سهل. قال الزمخشری فی الکشاف عن ابن روبة: الامر فی التذکیر و التأنیث بیدک. (همانجا، ۴۲۱)

۴- بررسی سند احادیث

استاد غفاری درباره سند احادیث در کتاب «من لایحضره الفقیه» نکات مختلف و جوانب متفاوت سندها را در نظر می‌گیرد و سعی در مشخص و معتبر دانستن آنها دارد. از نمونه‌های دقت ایشان در مواجهه با سند احادیث «الفقیه» می‌توان موارد ذیل را نام برد:

◆ الف- تشخیص طریق صدوق به راوی: در پاورقی کتاب گاه ابتدا می‌گوید که طریق صدوق به راوی مشخص است یا نه و چنانچه نامشخص بوده است در کتاب کلینی یا شیخ طوسی آن را جستجو می‌کند تا نوع و درجه اعتبار حدیث «الفقیه» را تعیین کند. مانند:

— صدوق می‌نویسد: «و روی حلبی عن أبی عبدالله (ع)...»؛ مصحح می‌نویسد: الطريق

الیه صحیح و هو عبیدالله بن علی الحلبي و كان ثقة. (همانجا، ۳۲۶)

♦ ب- تعیین اعتبار احادیث بدون سند: در مواردی که حدیث ذکر شده هیچ راوی یا سندی ندارد، استاد با بهره جستن از الکافی یا تهذیب الاحکام، موقعیت حدیث را مشخص نموده است. تا شبهه شبهه‌کنندگان درباره احادیث کتاب «من لایحضر» را پاسخ گفته باشد و اعتبار آنها را نشان دهد. شیخ صدوق در شرایطی کتاب من لایحضره الفقیه را تصنیف کرد که دور از محل سکونت خویش بسر برده و به اقتضای سفر منابع محدودی در اختیار داشت، ضمن آنکه بسیاری از روایات هم در آن منابع فاقد سند متصل بودند (بهبودی، ۲۰۰). از طرفی چون هدف از تصنیف این کتاب بیان احکام شرعی بوده به نظر مؤلف آن ذکر سند احادیث ضروری نبود با فرض اعتبار مرسلات صدوق که عده‌ای براین باورند (نقل از موسوی الخراسان، ۱/۱ذ) ضعفی در این کتاب نیست. درعین حال موارد مرسل را نوعاً استاد غفاری به دو منبع حدیثی معتبر پیشگفته ارجاع داده است. مانند:

۱- در باب تزویج مُحرم، حدیثی بدین صورت آمده است: «ان رجلاً من الأنصار تزوج و هو محرم فأبطل رسول الله (ص) نکاحه» ذیل این حدیث استاد می‌نویسد: رواه الكلینی ۳۷۲/۳ و الشیخ فی التهذیب ۵۴۱/۱ فی الصحیح عن عبدالرحمن بن أبی عبدالله عن أبی عبدالله (ع). (همانجا، ۳۶۱)

۲- باب أحكام السهو و الشک، پس از خبری که از فرمایش امام صادق (ع) به عمار بن موسی، صدوق نقل می‌کند مطلب دیگری با شماره جداگانه بدین صورت آمده است: «و معنى الخبر الذى روى «أن الفقيه لا يعيد الصلاة» (انما هو فى الثلاث و الأربع لا فى الأولین» مصحح می‌نویسد: فى التهذیب، ۲۳۶/۱؛ مسنداً عن حمزة بن حمران عن أبی عبدالله (ع) قال: ... (همانجا، ۳۴۱/۱) که با بیان این سند اعتبار قول شیخ صدوق تقویت می‌شود.

۳- در باب «سهو در طواف» روایتی از رفاعه از امام صادق (ع) نقل شده و پس از آن روایتی بدون ذکر هیچ فردی در سند چنین آمده است: و سئل «عن رجل لا یدرى ثلاثة طاف أو أربعة، قال: ...»

فان طفت بالبيت طواف الفريضة و لم تدرسته طفت أو سبعة فأعد طوافك، فان...» مصحح می‌نویسد: ممکن است تتمه خبر رفاعه باشد که در این صورت خبر صحیح است و ممکن است خبر دیگری باشد.

نیز می‌نویسد: یؤیده ما فی الکافی فی الصحیح عن منصور بن حازم قال: «سألت أبا عبدالله عليه السلام عن رجل طاف طواف الفريضة فلم يدر ستة طواف أم سبعة؟ قال: فليعد طوافه. قلت... (همانجا، ۳۹۷)

◆ ج- ذکر سند روایاتی که فقط نام معصوم (ع) آمده است: بسیاری از احادیث کتاب «من لایحضر» با قال از - نام - امام (ع) آمده که اکثراً حدیث بعد آن چنانچه از همان امام نقل شده، فقط به صورت: (قال علیه السلام) آمده است. در موارد زیادی استاد کوشیده است تا راوی از امام را به کمک سند موجود در کتاب کافی یا تهذیب مشخص کند؛ مثلاً:

۱- و قال الصادق (ع): ... استاد می‌نویسد: مروی فی الکافی، ۹۵/۵ بسند مجهول كما فی التهذیب عن أبي بصير. (همانجا، ۱۸۹/۳)

۲- و قال الصادق (ع): ... مصحح می‌نویسد: «رواه الكلینی فی الموثق كالصحيح، ۵۱۵/۴، عن ابن بكير عن خبره». (همانجا، ۴۷۹/۲)

۳- و سئل الصادق (ع): ... استاد غفاری می‌نویسد: رواه الكلینی، ۵۰۰/۴ و الشيخ فی الصحيح عن معاوية بن عمار... (همانجا، ۴۹۳)

◆ د- تکمیل سند حدیثی که نام راوی و امام (ع) آمده است: برخی از احادیث کتاب «الفقیه» فقط دارای نام آخرین راوی از امام (ع) است که البته شیخ صدوق برای تکمیل کردن سند اینگونه از احادیث، مشیخه را در انتهای کتاب خود ترتیب داد. استاد سند اینگونه نقلها را با استفاده از کتاب کلینی یا شیخ طوسی کامل کرده است. مانند:

«... فقد سأل اسماعيل بن جابر أبا عبدالله (ع) عن ذلك فقال: استعط به» مصحح می‌نویسد: رواه الشيخ فی الصحيح عن الحسين بن سعيد، عن صفوان بن يحيى، عن اسماعيل بن جابر قال قلت لأبي عبدالله (ع)... فقال: استعط به. (همانجا، ۳۵۱)

◆ ه - معرفی گوینده‌ای که حدیثی را نقل کرده است: در کتاب «من لایحضر» گاه حدیثی بدون مشخص بودن نام راوی یا مقول از امام (ع) آغاز شده است، بدینصورت: «قال: و سمعته يقول:...» استاد با توجه به حدیث قبل در کتاب، گفته است که این گوینده چه کسی است. مانند:

حدیثی از معاویة بن عمار از ابو عبدالله (ع) نقل شده است در حدیث بعدی که به صورت: «قال: و سمعته يقول: ...» آمده است، استاد می نویسد: «أی قال معاویة بن عمار. (همانجا، ۴۷۹/۲)»

◆ و- توثیق یا تضعیف سند حدیث: استاد غفاری در مواردی طریق شیخ صدوق را به یک راوی یا امام تضعیف یا توثیق می کند، مانند:

۱- روایتی از معاویة بن وهب از امام صادق ۷ نقل شده که مصحح می نویسد: «طریق المصنف الیه صحیح و هو ثقة». (همانجا، ۷/۳ باب الخطأ فی الحكم)

۲- روی عن الأصیح بن نباته...؛ استاد می گوید: «طریق المصنف الی الاصحیح ضعیف کما فی الخلاصه لان فیہ الحسین بن علوان الکلبی و عمرو بن ثابت فالاول عامی و ان کان له میل و محبة شديدة و الثانی لم یثبت مدحه و لإ توثیقه...». (همانجا، باب أرش خطأ القضاء) گاه مصحح راوی سند حدیث کتاب «من لایحضر» را تضعیف یا توثیق کرده است:

۱- موارد توثیق راوی

نمونه راوی های ذکر شده در سند صدوق که با دقت و تفحص مصحح توثیق شده اند:

◆ حفص بن البختری، طریق الیه صحیح و هو ثقة. (همانجا، ۳۲۱/۲)

◆ النضر بن سويد، طریق الیه صحیح کما فی الخلاصه و هو ثقة. (همانجا، ۳۲۵)

◆ رفاعة بن موسى، طریق الیه صحیح کما فی الخلاصه و هو ثقة حسن الطریقة.

(همانجا، ۳۴۰)

◆ الحسن بن عطیة، الحسن بن عطیة الحنّاط کوفی مولی ثقة روی عن أبی عبدالله علیه السلام. و لم یذكر المصنّف طریقه الیه لکن رواه الشیخ فی التهذیب ۴/۱۸۷ فی الصحیح و الکلینی فی الکافی ۴/۱۸۸ فی الحسن کالصحیح. (همانجا، ۳۹۶)

◆ احمد بن عمر، طریق الیه صحیح و احمد بن عمر الحلال ثقة من اصحاب الرضا

(ع) (همانجا، ۴۰۸)

۲- موارد تضعیف راوی

نمونه راوی های ذکر شده در سند صدوق که مصحح تضعیف کرده است، عبارتند از:

- ◆ ابوسعید المکارمی، لم يذكر المؤلف - صدوق - طريقه اليه و هو ضعيف و رواه الشيخ بسند فيه ارسال. (همانجا، ۳۲۶)
- ◆ محمد بن القاسم الاسترابادی، هو صاحب التفسير المنسوب الى الامام العسكري عليه السلام قال العلامة في الخلاصة انه ضعيف كذاب روى الصدوق عنه تفسيراً يرويه عن رجلين مجهولين أحدهما يعرف بيوسف بن محمد بن زياد و الآخر على بن محمد بن يسار عن أبيهما عن أبي الحسن الثالث عليه السلام... (همانجا، ۳۲۷)
- ◆ قاسم بن محمد جوهری، ضعيف واقفي كعلى بن أبي حمزة و... (همانجا، ۳۳۷)
- ◆ بكر بن صالح، بكر بن صالح الرازی الضبی مولى بنی ضبّة ضعيف جداً من أصحاب الكاظم عليه السلام كثير التفرد بالغرائب. (همانجا، ۳۵۳) نجاشی نظير این مطالب برای او گفته بدون کلمه «جداً» و گفته است له كتاب نوادر يرويه عدة من اصحابنا... (رجال نجاشی، ۷۹)
- ◆ ز- ذکر الفاظ معادل نام راوی در سند حدیث از نسخ دیگر: روى عن الحسين بن مسلم، درباره لفظ مسلم استاد می نویسد: «كذا في أكثر النسخ و في الرجال أيضاً و في بعض النسخ» الحسين بن سالم «و لعله هو الصواب لما كان في المشيخة من عنوانه و عدم عنوان الأول...». (همانجا، ۳۵۳)
- ◆ ح- معرفی افراد مذکور در سند یا متن حدیث: آنجا که به نظر مصحح فرد یاد شده در سند حدیث لازم است بیشتر معرفی شود، استاد به این کار اقدام کرده است. مانند:
- ۱- کعب بن عجر انصاری در حدیثی که گزارش می کند که رسول الله (ص) بر او عبور کردند در حالیکه او مُحْرَم بود و... استاد درباره کعب می نویسد: «کنيته أبو محمد كان من بنی سالم بن عوف حليف بنی خزرج قال الواقدي: استأخر اسلامه ثم أسلم و شهد المشاهد و هو الذي نزلت فيه بالحديبية الرخصة في حلق رأس المحرم و الفدية و توفي سنة ۵۱ او ۵۲ كما في التهذيب لابن حجر عسقلاني» (۵۹۳/۴) و عجرة بضم العين المهملة و فتح الراء كما في القاموس. (همانجا، ۳۵۸)
- ۲- در باب نوادر الطواف حدیثی نقل شده است که انتهای آن چنین ختم می شود: «و فتحه داود». استاد می نویسد: یعنی داود بن علی بن العباس الذی كان والياً علی مکه. (همانجا، ۴۱۳)

۳- روی سعد بن عبدالله عن موسی بن الحسن عن...، مصحح می نویسد: موسی بن الحسن هو أبو الحسن الأشعری. (همانجا، ۴۲۲)

◆ ط - تعیین نام امام (ع) در مواردی که کنیه مشترک ذکر شده است: در مواردی که نام امام در سند با کنیه ذکر شده و از نام راوی هم به صراحت معلوم نیست که کدام امام است، استاد نام امام را مشخص کرده است. مانند: «و سأل بعض أصحابنا أبا جعفر (ع)...». استاد می نویسد: مراد أبو جعفر الثانی است طبق آنچه کلینی روایت کرده است... (همانجا، ۵۵۸)

نتایج مقاله

به طور خلاصه می توان گفت که روش استاد غفاری در تصحیح و تعلیق خود بر کتاب من لایحضر الفقیه بدینگونه بوده است:

- ◆ - گاه برای روش شدن واژه حدیث اعراب گذاری کرده است. آن هم از ابتدای کتاب تا انتهی با مقایسه نسخه ها.
- ◆ - ذکر آیات قرآنی که در شرح احادیث به آنها استناد کرده است.
- ◆ - استشهاد به سند یا متن حدیث از کتب دیگر در تأیید یا رد سند یا متن موجود در من لایحضر الفقیه.

- ◆ - بیان مفهوم و مراد لغت و واژه خصوصاً موارد غریب.
- ◆ - ارائه مصادیق حکم عام در حدیث.
- ◆ - ذکر مواردی که کلمه یا کلماتی در تقدیر بوده است.
- ◆ - بیان یا استخراج حکم فقهی از حدیث.

کتابشناسی

۱- قرآن کریم.

۲- ابن حجر عسقلانی، احمد، تهذیب التهذیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ هـ.ق.

۳- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ترجمه و تحقیق محمد رضا تجدد، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶ هـ.ق.

۴- بهبودی، محمدباقر، صحیح من لایحضره الفقیه، بیروت، دارالعلوم و موسسه الوفاء، ۱۴۰۷ هـ.ق.

- ۵- صدوق، محمد بن علی؛ من لایحضره الفقیه؛ تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین فی الحوزة العلمیه، [بی تا].
- ۶- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، طهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
- ۷- همو، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ق.
- ۸- طهرانی، شیخ آقا بزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعه، بیروت، دار الاضواء.
- ۹- فیومی، احمد بن محمد بن علی، المصباح المنیر؛ بیروت، دارالفکر، [بی تا].
- ۱۰- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، چاپ سوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش.
- ۱۱- مجلسی، محمد باقر؛ مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش - ۱۴۰۶ ق.
- ۱۲- الموسوی الخراسان، حسن، مقدمه من لایحضره الفقیه، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۵، هـ.ق.
- ۱۳- نجاشی، احمد بن علی، رجال (فهرست اسماء مصنفی الشیعه)، قم، مکتبه الداوری، [بی تا].



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی